

اشاره: فاصله زمانی ۱۴ مهرماه تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، یکی از فصول برجسته تاریخ نهضت اسلامی به حساب می‌آید. این برهه زمانی که از هجرت حضرت امام به پاریس تا پیروزی انقلاب را در بر می‌گیرد، مملو از حوادث و اتفاقاتی است که هر یک مسیر انقلاب را به پیش می‌برد. با توجه به اهمیت زمان فوق، مرکز اسناد انقلاب اسلامی در قالب روش پژوهشی تاریخ شفاهی، وقایع و رویدادهای آن و نقش هدایتگر و سرنوشت‌ساز امام خمینی را در آفرینش موفقیت‌های این ایام مورد بررسی قرار داده است که در قالب کتاب تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی از مهاجرت امام خمینی به پاریس تا پیروزی منتشر شده است. نوشتار زیر گزیده‌ای از این کتاب را متناسب با این ایام در بر می‌گیرد .

و به ظاهر حلقه محاصره را برداشتند، ولی در واقع تحت عنوان این که از طرف ایران می‌خواهند به شما سوء قصد کنند و ما باید از شما حفاظت کنیم، مراقبت و کنترل بیت امام را شدید کردند که امام فرمودند: ایشان حفاظت نمی‌کنند، بلکه نظارت می‌کنند. تا این که یک روز از بغداد، من را خواستند و من رفتم. به من گفتند: مرکز عالی فرماندهی انقلاب تصمیم گرفته است نماینده‌ای رسمی برای مذاکره با آیت‌الله خمینی به نجف بفرستد، لذا وقت آن را تعیین کنید.

من پیام آنسان را به امام عرض کردم. امام هم بعداز ظهری را برای مذاکره تعیین کردند. در روز موعود، سعدون شاکر که آن‌وقت رئیس کل تشکیلات امنیت عراق بود، به اتفاق استاندار و رئیس سازمان

### سیر تکاملی انقلاب اسلامی

# از مهاجرت امام خمینی به پاریس تا پیروزی

### علی اکبر علی اکبری بایگی

فرزند خود، سید احمد، فرانسه را برای اقامت انتخاب کرده‌اند و کس دیگری در این مورد نقش داشته است: «از قرار مذکور، بعضی‌ها ادعا کرده‌اند که رفتن من به پاریس به وسیله آنان بوده؛ این دروغ است. من بعد از برگرداندنم از کویت با مشورت احمد، پاریس را انتخاب نمودم؛ زیرا در کشورهای اسلامی احتمال راه ندادن بود. آنان تحت نفوذ شاه بودند، ولی در پاریس این احتمال نبود.» (۳)
فرانسوی‌ها در ابتدای ورود امام به پاریس، اعلام کردند که به آیت‌الله خمینی اجازه فعالیت سیاسی نخواهند داد، اما امام خمینی در مقابل اقدام دولت فرانسه، واکنش تندی نشان دادند و اظهار نمودند حاضر م کشور فرانسه را ترک کنم، اما دست از فعالیت خود بر نمی‌دارم.

سیداحمد خمینی که ناظر تمام این جریانات بود



می‌گوید: «همان شب از کاخ الیزه آمدند پیش من که ما مواجه شدیم با این قضیه، چه بخواهیم و چه نخواهیم آیت‌الله آمده است. اگر مطلع می‌شدیم، نمی‌گذاشتیم. وقت خواستند. امام گفتند بیایند. آمدند و گفتند حق ندارید کوچکترین کاری انجام دهید و امام گفتند: «ما فکر می‌کردیم اینجا مثل عراق نیست. من هر کجا بروم حرفم را می‌زنم. من از فرودگاهی به فرودگاهی و از شهری به شهر دیگر سفر می‌کنم تا به دنیا اعلام کنم که تمام ظالمان دنیا دستشان را در دست یکدیگر گذاشته‌اند تا مردم جهان صدای ما مظلومان را نشنوند، ولی من صدای مردم دلیر را به دنیا خواهم رساند. من به دنیا خواهم گفت که در ایران چه می‌گذرد.»(۴)

پیام خوش آمدگویی به امام به مناسبت بازگشت به میهن بدین شرح است: «ای روح خدا و ای ابراهیم بت‌شکن،ای بنده پاکباز حق وای جان عزیز ملت ایران، به عرض برسانم که؛ رواق منظر چشم من آشیانه توست، کرم نما و فرود آ که خانه، خانه توست. ملت ایران چه چیزی از جان عزیزتر دارد که نثار مقدم فرخنده رهبر فداکار و روشن بین نماید و چه ثنایی بالاتر از این سراغ دارد که او را بنده پاکباز حق بخواند؟ای بنده پاکباز خدا،ای مسلمان محمدی،ای شیعه صادق،ای آیت خدا، ملت ایران در شخصیت شما و از تجربه زندگی شما بالاخص در ۱۵ سال اخیر، زعامت امت که به شما سپرده شد، مصداق عینی وعده خدا به رزمندگان و پویندگان راهش را مشاهده می‌کند که اگر به یاری خدا بشتابید به یاری شما می‌شتابد و شما که ثابت قدم نگه می‌دارد و هر کس از آن خدا باشد، خدا از آن اوست. هجرت شما از وطن عزیز در ۱۴ سال پیش، تحت فشار و اجبار سمبل‌های استبداد و استعمار، یادآور هجرت جد مکرمتان رسول خدا و یاران بزرگوار اوست که به گناه خواستاری جامعه توحیدی از شهر و دیار خود رانده شدند: «الذین اخرجوا من ديارهم بغير حق الا ان يقولوا ربناالله.» (۵) و بازگشت امروزتان یادآور فتح مبین و عظیم مکه است که سمبل‌های زر و زور و بت‌های فلزی و گوشتی، یکی پس از دیگری از مقر حکمرانی به زیر آورده شدند و حکومت‌خدایی جایگزین حکومت طاغوتی گردید: «لقد صدق الله رسوله الرؤيا بالحق لتدخلن المسجد الحرام انشاء الله آمنین.» (۶)

ملت ایران، جان بر کف در انتظار فرمان رهبر عظیم‌الشان خویش است و تا برقراری جامعه توحیدی، جامعه‌ای که در آن انسان از قید بندگی انسان آزاد باشد؛ بهره‌کشی انسان از انسان ملغی گردد؛ از ناهمواری‌ها و نابرابری‌های مصنوعی اثر نماند؛ بت‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی یکسره سرنگون گردد؛ مساوات، برابری و برادری به معنای واقعی کلمه برقرار شود؛ آثار استبداد ۲۵۰۰ ساله و استعمار ۴۰۰ ساله محو گردد و در یک کلمه، بندگی از آن خدا و حکومت، حکومت الهی باشد؛ از پای نخواهد نشست. جای چندین هزار شهید ۱۵ ساله اخیر که حرکت انقلاب مقدس اسلامی ما را با خون خود سرعت بخشیدند، خالی است؛ که بازگشت مظفرانه رهبر خود و شکوفه‌های به ثمر رسیده نهال انقلاب را به چشم خود ببینند. اگر امروز در میان ما نیستند ارواح پاکشان ناظر و شاهد خواهد بود. والسلام علیک وعلی‌الارواح‌الطی حلت بفنائک و رحمت‌الله و برکاته.» (۷)

#### بیانات امام در فرودگاه مهر آباد

من از عواطف طبقات مختلف ملت تشکر می‌کنم. عواطف ملت ایران به دوش من، بار گرانی است که نمی‌توانم جبران کنم. من از طبقه روحانیون که در این قضایای گذشته جان‌فشانی کردند، از طبقه دانشجویان که در این مسایل، مصایب دیدند، از طبقه بازرگانان و کسبه که در زحمت واقع شدند، از جوانان بازار و دانشگاه و مدارس علمی که دراین مسائل خون دادند، از اساتید دانشگاه، از دادگستری، قضات دادگستری، و کلای دادگستری، از همه طبقات، از کارمندان، از کارگران، از دهقانان، از همه طبقات ملت تشکر می‌کنم.

# بشارت حضرت عیسی به آمدن حضرت محمد



علامه سید محمدحسین طباطبایی

«و مشرأ بر سول یاتی من بعدی اسمه احمد». این قسمت از آیه به قسمت دوم از رسالت آن جناب اشاره دارد؛ همچنان که جمله «مصدقاً لما بین یدی من التوریه» به قسمت اول از رسالتش اشاره داشت.

این را هم می‌دانیم که بشارت عبارت است از خبری که شنونده از شنیدنش خوشحال گردد، و معلوم است که چنین خبری چیزی جز از خبری که به شنونده برسد و عاید او شود، نمی‌تواند باشد، و خبری که از بعثت پیامبر و دعوت او انتظار می‌رود این است که با بعثتش باب رحمت الهی به روی انسان‌ها باز شود، و در نتیجه سعادت دنیا و عقبای شان به وسیله عقائد حقه، و یا اعمال صالح، و یا هر دو تأمین گردد. و بشارت به آمدن پیامبری بعد از پیامبری دیگر — با در نظر گرفتن این که پیغمبر سابق دعوتش پذیرفته شده و جا افتاده، و با در نظر داشتن وحدت دعوت دینی در همه انبیاء — وقتی تصور دارد و دارای خاصیت بشارت است که پیامبر دوم دعوتی پیشرفته‌تر و دینی کامل‌تر آورده باشد. دینی که مشتمل بر عقائد حقه بیشتر و شرایع عادلانه‌تر برای جامعه، و نسبت به سعادت بشر در دنیا و آخرت فراگیرتر باشد؛ و گرنه انسان‌ها از آمدن پیامبر دوم چیز اضافه‌ای عایدشان نمی‌شود و از بشارت آمدنش خرسند نمی‌گردند.



با این بیان روشن گردید که جمله «و مبشرا برسول یاتی من بعدی»، هر چند از این نکته خبری نداده، اما معنایش می‌فهماند که آنچه پیامبر احمد (ص) می‌آورد، پیشرفته‌تر و کامل‌تر از دینی است که تورات متضمن آن است، و آنچه عیسی (ع) بدان مبعوث شده، در حقیقت واسطه‌ای است بین دو دعوت.

در نتیجه، کلام عیسی پن مریم را این طور باید معنا کرد: «انی رسول الله الیکم مصدقا...» من فرستاده‌ای هستم از ناحیهٔ خدای تعالی به سوی شما تا شما را به سوی شریعت تورات و منهای آن دعوتی کنم.... «ولا حل لکم بعض الذی حرم علیکم»؛ و بعضی از آنچه را که بر شما حرام شده برایتان حلال کنم، و این همان شریعتی است که خدای تعالی به دست من برایتان آورده، و به زودی آن را با بعثت پیامبری به نام احمد (ص) که بعد از من خواهد آمد، تکمیل می‌کند.

از نظر اعتبار عقلی هم مطلب از این قرار است؛ چون اگر در معارف الهی که اسلام بدان دعوت می‌کند، دقت کنیم خواهیم دید که از شریعت‌های آسمانی دیگر که قبل از اسلام بوده، دقیق‌تر و کامل‌تر است. مخصوصاً توحیدی که اسلام بدان می‌خواند — و یکی از اصول عقائد اسلام است، و همه احکام اسلام بر آن اساس تشریح شده، و بازگشت همه معارف حقیقی بدان است — توحیدی است بسیار دقیق که ما در مباحث سابق کتاب المیزان، پاره‌ای مطلب در باره آن گذراندیم.

و همچنین شرایع و قوانین عملی اسلام که در دقت آن همین بس که از کوچکترین حرکات و سکنات فردی و اجتماعی انسان گرفته تا بزرگترین آن را در نظر گرفته، و همه را تعدیل نموده، و از افراط و تفریط در یک یک آنها جلوگیری نموده، و برای هر یک حدی معین فرموده، و در عین حال تمامی اعمال بشر را بر اساس سعادت پایه‌ریزی کرده و بر اساس توحید تنظیم فرموده است.

«ترجمه المیزان، ج ۱۹»

